

## پیوند اسماء الهی در فواصل آیات با مضامین و غرض سوره احزاب\*

حجت‌الیه حکم‌آبادی (نویسنده مسؤول)<sup>۱</sup>

غلامرضا رئیس‌یان<sup>۲</sup>

عباس اسماعیلی‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده:

تحلیل اسماء به‌کار رفته در فواصل آیات از جمله مباحث مهم تفسیری است. قرآن پژوهان با اعتقاد به توقیفی بودن چینش کلمات و آیات، اسماء مذکور در پایان آیات را بررسی نموده تا ضمن فهم دقیق آنها، به ارتباطشان با محتوای آیات و غرض سوره دست یابند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی، با تکیه بر متون تفسیری و کتب لغت، به دنبال تبیین نحوه ارتباط اسماء الحسنای پایان آیات با مضامین و غرض سوره احزاب می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این ارتباط نظام‌مند، علاوه بر خود آیه، با آیات قبل و بعد مرتبط بوده؛ به‌گونه‌ای که با حذف آنها یا جانشین کردن اسامی دیگر، در معنا و غرض آیه اضطراب ایجاد شده و از رونق بلاغت آیات کاسته می‌شود. پربسامدترین دلایل آن نیز تعلیل، تکمیل، تهدید، تأکید و تمهید برای احکام جدید بوده است. همچنین بررسی این اسماء، قرینه قابل اطمینانی برای کشف و تثبیت غرض سوره خواهد بود.

### کلیدواژه‌ها:

اسماء الهی / فواصل آیات / مضامین آیات / غرض سوره / مناسبت / سوره احزاب

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.54550.2552

hojath49@gmail.com

raeisian@um.ac.ir

esmaeelzadeh@um.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

۳- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

## طرح مسأله

قرآن در طول بیست و سه سال و به تدریج بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و معجزه جاوید ایشان قرار گرفت. با تدبر و تأمل در آیات آن، نشانه‌های متعددی از اعجاز دیده می‌شود. بخشی از این اعجاز در نحوه ارتباط و تناسب اسماء و صفات الهی پایان آیات، با مضامین آیات و غرض اصلی سوره می‌باشد. بررسی ارتباط و تناسب آیات یک سوره از دیرباز نظر دانشمندان علوم قرآنی و مفسران را به خود معطوف داشته است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۱۱۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷: ص ۱۰۶؛ ج ۳۱: ص ۱۷۴؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱: ص ۷۸ و...) اما مفسران و قرآن‌پژوهان بعدی، یک گام جلوتر رفته و در آثار خود قبل از تفسیر، غرض سوره را به عنوان عامل انسجام‌دهنده به مطالب سوره، تعیین و مورد توجه جدی قرار داده‌اند. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از *نظم الدرر* (بقاعی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۵۵)، *فی ظلال القرآن* (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۴: ص ۲۳۶۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن* (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ص ۱۶؛ ج ۵: ص ۱۵۷)، *الاساس فی التفسیر* (حوی، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۸۳۰)، *من هدی القرآن* (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱: ص ۹۱ و ۴۹۷) و... در سال‌های اخیر نیز پژوهشگران علوم قرآنی با نوشتن کتاب، پایان‌نامه‌ها و مقالات به این مهم پرداخته‌اند. از این میان می‌توان به تفسیر تحلیلی قرآن کریم (ابزازی، ۱۳۸۱: ص ۱۸)، نگرش سیستمی به ساختار سوره‌های قرآن (گلجانی، امیرخیز، ۱۳۸۴: ص ۶۹)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ص ۷۱)، تدبر در قرآن (الهی‌زاده، ۱۳۹۴: ص ۵۰)، «پیوند اوصاف الهی مذکور در فواصل با مضامین آیات در سوره بقره» محسن طه، «تناسب معنایی اسماء و صفات الهی در قرآن با مضامین آیات و سور» زهرا معنوی، و «ارتباط اسماء الهی با محتوای آیات در سوره آل عمران» ابراهیم مرتضوی، و... اشاره کرد.

از آنجایی که در پایان بسیاری از آیات قرآن، اسمی و صفات الهی ذکر شده، و با عنایت به توقیفی بودن چینش کلمات در آیات، (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ص ۳۵۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ص ۲۱۳؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱: ص ۷۹؛ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۲۷۱) و نیز نزول قرآن از جانب خداوند حکیم، وجود اسماء الحسنی در پایان آیات خالی از حکمت نبوده و قطعاً ارتباط و پیوند محکمی با محتوا و موضوع آیه و نیز غرض اصلی سوره خواهند داشت. مراد از «غرض اصلی سوره»، هدفی است که خداوند متعال تحقق آن را از نزول آیات سوره تعقیب نموده است؛ هرچند صریحاً نامی



از آن در سوره نیامده باشد. «هدف» نزدیک‌ترین و بی‌واسطه‌ترین مقصود خدا از فرستادن سوره است. (بهجت پور، ۱۳۹۳: ص ۸۲)

دست یافتن به غرض اصلی سوره نیز به دو شکل انجام می‌گیرد: توصیفی و استدلالی. در رویکرد توصیفی، مفسر، موضوع و مطلب برجسته سوره را به‌عنوان غرض سوره انتخاب کرده و با عبارتی کلی، به‌عنوان غرض سوره مشخص می‌نماید. مثل اینکه در سوره جن گفته شود موضوع و غرض سوره، درباره جن است. (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ص ۱۰۹) اما در رویکرد استدلالی، با ارائه دلایل، غرض سوره را تعیین می‌نمایند. در این رویکرد، قرآن پژوهان روش‌های متعددی را ابداع نمودند. (خامه‌گر، ۱۳۹۵: ص ۳۷) یکی از این روش‌ها، «روش جامع در کشف غرض سوره» می‌باشد. در این روش، مفسر با یک نگاه جامع‌گرایانه و با کمک عوامل لفظی و معنایی، به سیاق‌بندی سوره و دسته‌بندی آیات هر سیاق پرداخته و با تکیه بر شواهد درون‌متنی (سیاق سوره، آیات آغازین و پایانی سوره، اسماء الحسنای سوره و...) و شواهد برون‌متنی، ساختار و غرض سوره را کشف نموده و کیفیت راهیابی خود را به غرض اصلی سوره به‌طور مستدل بیان می‌نمایند. (همان، ص ۳۸)

پژوهش حاضر با نگاهی تفسیری و با کمک یکی از عناصر درون‌متنی، یعنی اسماء الحسنای موجود در فواصل آیات، به‌دنبال تبیین ارتباط اسماء الحسنی و صفات پایان‌بخش آیات سوره احزاب با مضامین و موضوع آیه، و غرض اصلی سوره، می‌باشد. آیت‌الله جوادی آملی درباره این روش می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌های کشف هدف هر سوره‌ای، بررسی اسماء الحسنای به‌کار رفته در آن سوره است. بدین صورت که بعد از کشف مضمون سوره، اسماء الحسنای سوره را مورد بررسی قرار داده، سپس قدر مشترک سوره را با قدر مشترک اسماء الحسنای سوره مطابقت دهیم تا به قدر مشترک سوره دست پیدا کنیم. این قدر مشترک، همان هدف و جهت سوره خواهد بود.» (احمدزاده، ۱۳۸۸: ص ۹۰)

این نوشتار با رویکردی توصیفی و تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای، با تکیه بر متون تفسیری فریقین، کتب لغت و دیگر منابع معتبر به انجام رسیده است. از این رو بعد از تبیین معانی لغوی و اصطلاحی اسامی موجود در فواصل، کیفیت ارتباط آنها با مضمون خود آیه و آیات قبل و بعد و همچنین غرض اصلی سوره بیان گردیده است. پس هدف از این پژوهش، پاسخ دادن به این پرسش‌هاست:



۱- کیفیت ارتباط اسماء الحسنی و صفات پایانی آیات با خود آیه و آیات قبل و بعد از خود چگونه است؟ دلایل و وجوه ارتباطی این اسامی با محتوای آیات در سوره احزاب چیست؟

۲- بررسی مفاهیم اسماء الهی و تناسب آنها با آیات، چه تأثیری در فرایند کشف محور و غرض اصلی سوره احزاب دارند؟

در خصوص سوره احزاب، علاوه بر کتب تفسیری که در ادامه اشاره خواهد شد، تحقیقاتی از سوی قرآن پژوهان معاصر انجام گرفته است؛ از جمله «تحلیل معناشناسی سوره احزاب با تکیه بر روش شناختی» فاطمه جوانبخت، «بررسی و تحلیل غزوه احزاب در قرآن و روایات»، اثر محمدحسن لائینی، «بررسی و نقد نظریه وحدت موضوعی حوی در تفسیر سوره احزاب» نوشته معصومه رحیمی و... اما در خصوص بررسی اسماء الحسنای پایانی آیات با غرض و محور اصلی و محتوای آیات در سوره احزاب، که موضوع مورد پژوهش در این مقاله است، اثر مستقلی انجام نگرفته است. قبل از ورود به بحث، به معرفی اجمالی سوره احزاب می پردازیم.

### ۱. معرفی سوره احزاب

سوره احزاب به اتفاق علما، مدنی، دارای ۷۳ آیه و نودمین سوره‌ای است (چهارمین سوره در مدینه) که در سال پنجم هجری بر پیامبر ﷺ نازل شده است. اما در ترتیب قرآن فعلی، سی و سومین سوره می باشد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ص ۵۱۸؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ص ۳۱۱؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۰۲؛ بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ص ۴۶۷) در فواصل ۲۲ آیه از آیات این سوره، ۱۷ اسم از اسماء الحسنی با ۳۳ بار تکرار آمده است. این سوره شامل مطالب متعددی است و به همین دلیل کشف ساختار و غرض اصلی سوره در نگاه نخست، مشکل به نظر می رسد. حتی علامه طباطبایی که غالباً غرض اصلی سوره‌ها را تعیین نموده، برای این سوره غرض خاصی را بیان نمی کند و به طور کلی می گوید: «این سوره مشتمل است بر معارف، احکام، قصص، عبرت‌ها و مواعظی چند، و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق، و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۲۷۳)

نگارنده بعد از بررسی محتوای سوره در تفاسیر فریقین و تحلیل آن، معتقد است با توجه به مدنی بودن سوره و اهمیت تبیین جایگاه حکومت و رهبری جامعه اسلامی در

مدینه، غرض اصلی سوره، عبارت است از «نحوه اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ در موضوعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و خانوادگی، جهت تحکیم پایه‌های رهبری و امت اسلامی». این مطلب در مقاله‌ای دیگر با عنوان «کشف استدلالی ساختار و غرض سوره احزاب»، توسط نگارنده تدوین شده است. در این نوشتار با کمک یکی از عناصر درون‌متنی سوره‌ها، یعنی اسماء الحسنای موجود در فواصل آیات، به دنبال تثبیت آن هستیم.

## ۲. پیوند اسماء الهی با مضمون آیات و غرض اصلی در سوره احزاب

از دقت در آیات سوره احزاب، روشن می‌شود که در فواصل ۲۲ آیه از آیات این سوره، ۱۷ اسم از اسامی خداوند و با ۳۳ بار تکرار ذکر شده است. در ادامه ابتدا به‌طور گذرا با کمک فرهنگ لغت و معاجم، به معانی لغوی و اصطلاحی اسماء الحسنای به‌کار رفته در فواصل قرآنی سوره احزاب اشاره نموده، سپس با مراجعه به تفاسیر، به تبیین ارتباط آنها در آیات یک‌اسمی و سپس آیات دواسمی و نیز کیفیت ارتباط و هماهنگی آنها با غرض سوره احزاب می‌پردازیم. از این‌رو مباحث در دو گروه دسته‌بندی می‌شود.

### ۲-۱. بررسی آیات مشتمل بر یک اسم از اسماء الحسنی

در اینجا به بررسی ارتباط مضمونی آیاتی می‌پردازیم که یکی از اسامی خداوند در آن ذکر شده است. این بررسی بر اساس قرائت مشهور بوده و ترتیب اتخاذ شده نیز بر اساس شماره آیات سوره احزاب می‌باشد.

#### ۲-۱-۱. خبیر

«خبیر» به معنای علیم و عالم به امور، یکی از اسماء الحسنای الهی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۲۵۸؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷: ص ۱۵۷) برخی به معنای خاص‌تر از علیم، و عالم به جزئیات دانسته‌اند. (غزالی، ۱۹۷۱: ص ۱۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۳۵۷) این واژه ۴۵ بار در قرآن به‌کار رفته است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ذیل واژه خبیر) در سوره احزاب نیز دوبار و در آیات ۲ و ۳۴ آمده است. بررسی آیه ۳۴ در بحث آیاتی که شامل دو اسم از اسماء الهی هستند، خواهد آمد.

«وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (احزاب: ۲).

عبارت «بِمَا تَعْمَلُونَ» به دو صورت قرائت شده است. ابو عمرو به صورت غایب «بِمَا يَعْمَلُونَ» و بقیه قرآء به صورت مخاطب «بِمَا تَعْمَلُونَ» قرائت نموده‌اند. (ابن الجزری، بی تا، ج ۲: ص ۳۴۸)



## موضوع مرتبط و نحوه ارتباط با آیات

مفسران اسلامی در موضوع و آیات مرتبط با این اسم اختلاف نظر دارند.

### الف) مسأله پیشنهادی کفار و منافقان

بیشتر مفسران معتقدند اطاعت در ابتدای آیه، در مورد امر و نهی‌های گذشته است؛ یعنی اگرچه آیه عام است، ولی چون در سیاق نهی قرار گرفته، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به پیروی آنچه به وی وحی شده، امر می‌کند، از این رو مخصوص به مسأله پیشنهادی کفار و منافقان است. در پایان آیه نیز به‌عنوان تعلیل یا تهدید فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ یعنی از آنجایی که خداوند خبرویت و احاطه کامل بر اعمال شما دارد، هیچ چیز بر خداوند مخفی نمی‌ماند و متناسب با اعمال، به شما جزا و پاداش می‌دهد. (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ص ۳۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۲۷۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ص ۵۲؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۰۹) برخی تأکید دارند که آمدن «خبیر» در پایان آیه مناسب است؛ زیرا وقتی فرمود که به قلب‌های بندگان آگاه است، روشن می‌شود که به اعمال بندگان نیز آگاه است. پس قلب‌هایتان را پاک و اعمالتان را اصلاح نمایید. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۵۴) از این رو اسم «خبیر» ضمن ارتباط با آیه خود، با آیه قبلی نیز ارتباط دارد.

### ب) نقض عهد اراده شده توسط مسلمانان

برخی نیز معتقدند در خصوص نقض عهدی است که مسلمانان درباره مشرکان و منافقان مکه و مدینه اراده کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آنها اجازه داد. از این رو آیه بالا تأکید می‌کند که ای پیامبر! از آنچه در قرآن هست، پیروی کن؛ زیرا خداوند نسبت به وفای به عهد یا نقض عهد شما آگاه است. (سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ص ۴۳) بنابراین اسم «خبیر» ضمن ارتباط با آیه خود، با شأن نزول آیه قبلی نیز ارتباط دارد.

### ج) احکام پسرخواندگی

گروهی نیز برآن هستند که چون فعل آیه به‌صوت مستقبل آمده است (بِمَا تَعْمَلُونَ)، به احکام پسرخواندگی که در آیات بعدی آمده، مربوط می‌شود. از این رو در پایان آیه، «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» آمده است تا علتی باشد برای تبعیت کردن و آرامش یافتن؛ زیرا خداوند به جان و مال شما آگاه است. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۱۸۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۱: ص ۲۲۹) پس اسم «خبیر» ضمن ارتباط با آیه خود، با دو آیه بعد از خود (۴ و ۵) نیز ارتباط دارد.

از آنجایی که سوره با عبارت «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ» و خطاب به پیامبر ﷺ آغاز شده است، از یک سو محتوای آیه دوم که با حرف «واو» به آیه قبل عطف گردیده، و به خصوص واژه «خبیر» نیز باید خطاب به پیامبر ﷺ و دیگر مسلمانان باشد. در این صورت با بخشی از غرض سوره که اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ در موضوعات سیاسی است نیز هماهنگ می‌گردد. از سوی دیگر قرائت غیر مشهور «بما یعملون» که بر این اساس آمدن «خبیر» نیز تهدیدی برای مشرکان و منافقان قلمداد می‌شود، (خطیب عبدالکریم، بی تا، ج ۱: ص ۶۶۴؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ص ۱۸۱) منتفی است.

## ۲-۱-۲. وکیل

«وکیل» از ریشه «وکل»، واگذار کردن و تفویض کار به دیگری است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۴۰۵) البته گاهی به معنای حافظ می‌باشد، از جمله آیه «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳). (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱؛ ص ۷۳۵) لفظ «وکیل» ۲۴ بار در قرآن آمده که در ۱۴ مورد، وصف خدا قرار گرفته است. از جمله در سوره احزاب در آیات ۳ و ۴۸ به عنوان اسمی خداوند آمده است.

«وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً» (احزاب: ۳).

## موضوع مرتبط و نحوه ارتباط با آیات

بر اساس آنچه از تفاسیر به دست می‌آید، سه موضوع با وکیل بودن خداوند در آیه ۳ مرتبط می‌باشد.

## الف) عمل به امر خدا و وحی او

بیشتر مفسران معتقدند از آنجایی که وکیل کسی است که کارها به او واگذار می‌شود، اسم «وکیل» با موضوع آیه مناسبت پیدا می‌کند؛ یعنی انسان باید تقوای خدا داشته باشد و در خصوص عمل به امر خدا و وحی او، بر خدا توکل نموده و کارهایش را به خدا بسپارد؛ زیرا خداوند حکیم، بهترین کارساز است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۲۷۴؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ص ۳۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۱: ص ۲۲۷) و در خصوص مشکلات دعوت و ردّ پیشنهاد مشرکان و منافقان و تهدیدات و اذیت و آزار آنها، نگهبان تو خواهد بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۵۵؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۴۰۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ص ۳۰۰)



### ب) فرمان‌ها و مشکلات آینده

گروهی نیز معتقدند که این آیه نشان می‌دهد که فرمان‌های آینده سخت است و استقامت می‌خواهد و مقدمه و زمینه‌چینی برای آمادگی آزار و اذیت‌ها و مشکلاتی است که از جانب مشرکان و منافقان مطرح خواهد شد. از جمله اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما را از ازدواج با همسر پسرخوانده نهی کرد، اما خودش با همسر پسرخوانده‌اش ازدواج نمود. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۰۹؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۱۸۱) با توجه به این دیدگاه، اسم «وکیل» با آیات ۴ و ۵ در ارتباط خواهد بود.

### ج) ارتباط با محور و غرض سوره

از آنجایی که این آیه نیز مانند آیه قبل در سیاق نهی قرار گرفته و با «واو» عطف به آیات قبل معطوف شده است، اسم «وکیل» نیز مانند «خبیر»، علاوه بر آیه خود، با دو آیه قبل که درباره امر به تقوا و اطاعت از خدا و عدم اطاعت از منافقان و مشرکان بود، مرتبط و با بخشی از غرض سوره که «اطاعت از خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در موضوعات سیاسی» است، هماهنگ می‌باشد.

«وَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ وَ دَعْ اٰذٰهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ وَ كَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا» (احزاب: ۴۸).  
الف) ارتباط با عبارت «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»

از قول برخی از مفسران می‌توان نتیجه گرفت که اسم «وکیل» با عبارت میانه آیه «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» مرتبط و تکمیل‌کننده آن است؛ یعنی خداوند وکیلی است که برای وکالت کافی است و به هر کسی که در امور به او توکل کند، پاداش می‌دهد. (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ص ۳۵۰؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۲۸۶) این عبارت دلالت می‌کند که خداوند، قادر، عالم و غیر محتاج است، پس برای وکالت کافی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۷۴)

### ب) ارتباط با کل آیه و غرض سوره

دیدگاه دیگر می‌گوید عبارت «وَكَفَى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا» با موضوع آیه که صبر بر اذیت و آزارهای منافقان و مشرکان و توکل بر خداست، مرتبط است؛ یعنی خدا برای کارسازی و کفایت در همه احوال بسنده است، پس نباید توکل را به اتکای به این و آن آمیخت. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ص ۳۹۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۳۵۸؛ آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۲۴) موضوع مطرح‌شده برای «وکیل» در هر دو حالت بر اطاعت از خدا و رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در خصوص موضوعات سیاسی به‌عنوان بخش از غرض اصلی سوره تأکید می‌کند.



«بصیر» از ریشه «بصر» و به معنای بینای همیشگی، عالم، درستی، حجت و عقیده قلبی و مخالف «ضریر» است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ص ۲۸۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ص ۶۴) یکی از اسماء الحسنی است که ۴۲ بار در قرآن به کار رفته است. در سوره احزاب یک بار و در آیه ۹ آمده است؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» (احزاب: ۹).

در این آیه در قرائت عبارت «بما تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» اختلاف نظر هست. از این رو در موضوع و نحوه ارتباط با محتوای آیه اختلاف به وجود می آید.

#### الف) مرتبط با اعمال و نیت مؤمنان

برخی از مفسران مخاطب آیه را مؤمنان دانسته، و برای «بما تَعْمَلُونَ» مصادیقی آورده‌اند، از جمله حفر خندق، کمک به پیامبر ﷺ با خروج از خانه و کاشانه به سوی لشکرگاه، جان فشانی صادقانه در راه پیروزی دین، فداکاری در گرمای تابستان و در ماه مبارک رمضان، آماده شدن برای جنگ و... سپس تأکید کرده‌اند که خداوند به همه این اعمال و نیت صادق شما آگاهی دارد. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱: ص ۲۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۱۵۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۲۷۴) از این رو اسم «بصیر» با قسمتی از آیه خود، یعنی «بما تَعْمَلُونَ» مرتبط است.

این قسمت از آیه تأکیدی است بر این مطلب که ارسال این نعمت‌ها به این دلیل بود که خداوند بر اعمال و افکار مؤمنان آگاهی دارد و آنها را در مواقع خاص کمک می‌نماید، از این رو قرائت «بما يَعْمَلُونَ» که متعلق «بصیر» را اعمال مشرکان و منافقان می‌داند، (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱: ص ۱۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ص ۵۳۲) صحیح نیست.

#### ب) مرتبط با محور و غرض سوره

عده‌ای نیز بدون ذکر مصادیق، معتقدند همان طور که خداوند دائماً مراقب شماسات، بر همه امور پنهان و آشکار شما آگاهی و احاطه دارد. پس در خصوص اطاعت از خدا غفلت نکنید و از حمایت و محافظت او نسبت به مؤمنان در جنگ‌ها مطمئن باشید. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸: ص ۲۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۶۰؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۱: ص ۱۸۲) از این رو اسم «بصیر» با بخشی از غرض اصلی سوره، یعنی «اطاعت از خدا و رسول ﷺ» در موضوعات نظامی «هماهنگی» دارد.



۲-۱-۴. قدیر

«قدیر» صیغه مبالغه و به معنای توانایی و نیرو است. فاعلی است که آنچه را مطابق مقتضای حکمت بخواهد، نه زیاد و نه کم، انجام می‌دهد. از این رو صحیح نیست غیر خدا با آن توصیف شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۵۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴: ص ۲۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ص ۷۴) این واژه ۴۵ بار در قرآن و از آن میان، یکبار در سوره احزاب آمده است.

«وَأَوْثَقَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطَّوُّهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا» (احزاب: ۲۷).

الف) ارتباط با آیه خود و آیه قبل

از دقت در نظرات مفسران چنین برمی‌آید که غرض این آیه و آیه قبل، معرفی گروهی از اهل کتاب و نتیجه عملکرد آنها در جنگ بنی قریظه است. به تعبیر دیگر، اسم مزبور علت پیروزی‌های مسلمانان در جنگ بنی قریظه را تبیین می‌کند؛ یعنی اگر خداوند زمین‌ها، خانه‌ها و اموال آنها، و نیز زمینی در اختیار مسلمانان قرار داد که هرگز در آن گام نهاده بودند، از آن جهت است که خداوند بر انجام دادن همه اینها قادر است و هیچ چیز او را عاجز نمی‌کند. (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۴۷۱؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ص ۳۳۳)

ب) ارتباط با غرض سوره

آمدن صفت «قدیر» در پایان آیه با بخشی از غرض سوره که «اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ در موضوعات نظامی»، است مرتبط می‌باشد؛ زیرا زمانی که مؤمنان بدانند خداوند قادر، در مسائل حساس و نفسگیر نظامی نیز پشتیبان آنهاست، اعتماد آنها به خدا تقویت، و زمینه اطاعت و تسلیم به فرامین الهی فراهم می‌گردد؛ چنان‌که در جنگ بنی قریظه نیز این مسأله مشهود است.

۲-۱-۵. حسیب

«حسیب» از ریشه «حَسَبَ وَ أَحْسَبَ» گرفته شده که در معنای کفایت کردن به کار می‌رود، مثل «حَسَبْنَا اللَّهَ» (آل عمران: ۱۷۳)؛ یعنی خدا ما را کافی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۳۴) واژه «حسیب» ۴ مرتبه در قرآن آمده است که یکبار آن در سوره احزاب، آیه ۳۹ می‌باشد.

«الَّذِينَ يَلْتَمُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يُخْشَوْنَهُ وَ لَا يُخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا».

## الف) ارتباط با کل آیه

بیان برخی از مفسران حاکی از این است که «حسیبا» با کل آیه در ارتباط است. حَسِيبًا یعنی «محاسباً». خدا برای محاسب بودن و به حساب آوردن همه اعمال و عقاید کوچک و بزرگ شما کافی است، پس واجب و شایسته است که از خدا خشیت داشته باشید، نه از غیر او. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۳۲۴؛ آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ص ۵۶۶؛ بقاعی، ۱۳۶۹ق، ج ۱۵: ص ۳۶۲)

ب) ارتباط با غرض سوره

علاوه بر این، از آنجایی که آیه فوق به همراه آیات ۳۶ تا ۴۰ در یک سیاق قرار گرفته و این سیاق بر لزوم اطاعت مؤمنان از دستورات خدا و رسول ﷺ، از جمله حکم خدا درباره ازدواج پیامبر ﷺ با همسر فرزندخوانده اشاره دارد، و عبارت فوق نیز تعلیل کل آیه است، با بخشی از غرض اصلی سوره، یعنی «اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ در موضوعات خانوادگی» هماهنگ است.

## ۲-۱-۶. علیم

«علیم» صیغه مبالغه و از اسما و صفات خدا، به معنای بسیار دانا، از ریشه «علم» (نقیض جهل) گرفته شده است. (بیهقی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۱۹۶) بیشتر کاربرد آن در مورد تثبیت صفت علم است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۱۵۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ص ۴۱۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۸: ص ۲۱۰) این واژه در قرآن ۱۶۲ بار آمده که ۱۵۶ بار آن درباره خداست. در سوره احزاب ۴ بار و در آیات ۱، ۴۰، ۵۱ و ۵۴ آمده است.

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب: ۴۰)

## الف) ارتباط با صدر آیه و غرض سوره

برخی از مفسران، «علیم» را به قسمت اول آیه ارتباط داده و معتقدند خداوند از روی علم و آگاهی، ازدواج با همسر پسرخوانده را حلال اعلام کرد؛ زیرا او بهتر می‌داند که کدام یک از قوانین و مقررات و تعلیمات، بهتر و سازگارتر است، و با مرحمت او در حق مؤمنان مطابق، و با انتخاب او برای ایشان موافقت دارد. (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۲۸۷۱؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۶: ص ۱۰۹)



### ب) ارتباط با عبارت میانه آیه

گروهی نیز مناسبت اسم مزبور را با قسمت دوم آیه دانسته، با این تفاوت که عده‌ای می‌گویند خدا بهتر می‌داند که چه کسی شایستگی بیشتری برای پیامبری دارد. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ص ۲۳۳) عده‌ای نیز معتقدند که هیچ چیز از آنچه بندگان مؤمن را اصلاح می‌کند، بر خدا مخفی نیست و خودش بهتر می‌داند که چه قوانین و دینی برای کمال انسان تا قیامت بهتر است. (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ص ۳۴۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸: ص ۳۲۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۳۵۰)

دیدگاه اول به صواب نزدیک‌تر است؛ زیرا با سیاق آیات قبل که دربارهٔ داستان ازدواج پیامبر ﷺ با همسر پسرخوانده‌اش است، هماهنگ بوده و در واقع پاسخی است بر اعتراض مردم که چرا پیامبر ﷺ با همسر پسرش ازدواج نمود؟ از این رو آن بخش از غرض سوره را که مربوط به مسائل خانوادگی است، مورد تأکید قرار داده است.

«إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب: ۵۴).

### جمله مرتبط و نحوه ارتباط

#### الف) ارتباط با کل آیه

یک وجه این است که «علیماً» را با تمام آیه شریفه مرتبط بدانیم؛ در واقع خداوند با لحن وعید و تهدید اعلام می‌کند اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید، خداوند از همه امور آگاه است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۳۳۸؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۳۱۸؛ آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۴۹)

#### ب) ارتباط با بخشی از آیه قبل و تأکید بر غرض سوره

بنا بر قول دیگر، وعید است نسبت به آنچه که در آیه قبل در عبارات «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ» و «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا» اشاره شده است؛ یعنی خداوند، از همه کسانی که مطلبی را به قصد اذیت و آزار پیامبر ﷺ، چه آشکارا و چه در قلبشان به‌طور نهانی داشته، و باوجود تحریم شدن ازدواج با همسران پیامبر ﷺ، تصمیم بر ازدواج با آنها را بگیرند، اطلاع کامل دارد و بر همین مبنا، آنها را مجازات خواهد کرد. (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۵۰۱) به عبارت دیگر، هشدار است به همهٔ مسلمانان که در موضوعات خانوادگی باید به‌طور شفاف از دستورات الهی اطاعت نمایند.

«رحیم» از ریشه «رحم»، به معنای رحمت و مهربانی مشتق شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳؛ ص ۲۲۴؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۵؛ ص ۳۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲؛ ص ۲۱۰) واژه «رحیم» ۲۲۷ بار در قرآن آمده؛ ۱۱۳ بار در ضمن بسمله، و ۱۱۴ بار در اثناء آیات. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳؛ ص ۷۷) در سوره احزاب ۶ بار و در آیات ۵، ۲۴، ۴۳، ۵۰، ۵۹، و ۷۳ تکرار شده است.

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (احزاب: ۴۳).

وجوه ارتباطی

الف) ارتباط با جمله «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ»

از آنجایی که بیشتر مفسران «صلاة» از سوی خدا را به معنای رحمت و مغفرت خاص از جانب او دانسته‌اند، از این رو اسم «رحیم» در پایان آیه با جمله «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ» مرتبط است. البته با این تفاوت که رحمت در عبارت «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ»، رحمت خاصی است که ذخیره آخرت برای مؤمنان می‌شود و سعادت آخرتی آنان و فلاح ابدی‌شان مترتب بر آن می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳؛ ص ۳۲۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶؛ ص ۳۲۹؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸؛ ص ۳۷۲) اما رحمت در عبارت «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»، رحمتی عام است؛ زیرا باعث سود رساندن و افزایش خوبی‌های قوی و عملی آنان می‌گردد. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱؛ ص ۲۷۸)

ب) ارتباط با دو آیه قبل از خود و غرض سوره

برخی از مفسران علاوه بر وجه ارتباطی مزبور، معتقدند عبارت «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ...» در مقام تعلیل آیه قبل است؛ به این صورت که در آیات قبلی می‌فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا\* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (احزاب: ۴۱-۴۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید که اگر شما خدا را زیاد یاد کنید، خدا هم به رحمت خود زیاد شما را یاد می‌کند. حال چون قبلاً نام مؤمنان ذکر شده بود، جا داشت که «کان بکم رحیم» بیاید، اما نام مؤمنان را دوباره تکرار کرد تا دلالت کند بر اینکه ایمان آنها، سبب رحمت خداست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶؛ ص ۳۲۹) در صورت پذیرش این دیدگاه، اطاعت از دستورات الهی (ذکر و تسبیح دائمی خدا) که همان محور سوره می‌باشد، زمینه رسیدن به رحمت الهی را فراهم می‌کند.



## ۲-۱-۸ رقیب

«رقیب» از ریشه «رقب» مشتق شده و «رقبه» (به کسر اول) و «رقوب» به معنای حفظ و انتظار است. (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱؛ ص ۱۳۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲؛ ص ۴۲۷) از این رو «رقیب» به معنای نگهبان، حافظ و منتظر است. این واژه ۵ بار در قرآن آمده که سه مورد از آن در وصف خداوند است. در سوره احزاب نیز یکبار به کار رفته است.

«لَا يَجِلُّ لَكَ النَّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْبَجَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا» (احزاب: ۵۲).

ارتباط با صدر آیه و غرض سوره

مفسران در خصوص ارتباط اسم مزبور با صدر آیه اتفاق نظر دارند که این عبارت اگرچه خطاب به پیامبر ﷺ است، ولی تهدید برای همه بندگان، و تأکید حکم صدر آیه است؛ یعنی تخلف از این فرمان صحیح نیست، خدا مراقب و ناظر بر اعمال بندگان است. (آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱؛ ص ۲۴۳؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۶؛ ص ۱۲۵) در این آیه نیز بر لزوم اطاعت از دستورات الهی در مسائل خانوادگی به عنوان بخشی از غرض و محور اصلی سوره، تأکید شده است.

## ۲-۱-۹. شهید

شهید از ماده «ش» به معنای حضور و حاضر آمده است. و نیز به معنای کسی است که در گواهی دادن خود امین باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳؛ ص ۲۳۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲؛ ص ۴۹۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲؛ ص ۵۱۳) این واژه زمانی که به خداوند سبحان اطلاق شود، به معنای حاضر، بیننده و حافظ است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴؛ ص ۷۶) این واژه ۳۵ بار در قرآن به کار رفته و ۲۰ مورد از آنها در توصیف خداست که در سوره احزاب نیز یکبار و در آیه ۵۵ آمده است.

«لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا لِنِسَائِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا».

موضوع آیه: شاهد بودن خداوند بر حالت‌های خلوت و جلوت ما

ارتباط با کل آیه و غرض سوره

بیشتر مفسران معتقدند که مخاطب این عبارت، همسران پیامبر ﷺ هستند؛ یعنی اگرچه در ابتدای آیه نوع ارتباط آنها با برخی از اقوام و خویشان استثنا شده، اما باید هوشیار باشند که حریم خود را بیشتر رعایت نموده و سهل‌انگاری ننمایند؛ زیرا پنهان و آشکار، و

ظاهر و باطن، حجاب و... برای خداوند یکسان است و احوال شما در علم او تفاوتی نمی‌کند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ص ۵۵۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ص ۱۵۴) بنابراین می‌توان با فخر رازی همراه شد و گفت که این عبارت در پایان آیه در نهایت زیبایی است؛ زیرا پیش از این اشاره کرده بود که اگر در خلوت با محارم و بدون حجاب باشید، اشکال ندارد، اما بدانید که خداوند در آن حالت هم شاهد و ناظر شماست. پس با توجه به شاهد بودن خداوند، حالت خلوت شما مثل حالت حضور در جمع است؛ پس پرهیزکار باشید. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۸۱) و این برداشت با بخشی از غرض سوره، یعنی «اطاعت از خدا و رسول ﷺ در موضوعات خانوادگی» نیز مرتبط است.

## ۲-۲. بررسی آیات مشتمل بر دو اسم از اسماء الحسنی

در این قسمت نیز به ترتیب شماره آیات، به بررسی تناسب و پیوند آیاتی می‌پردازیم که دو نام از نام‌های خداوند در آن ذکر شده است.

### ۲-۲-۱. عَلِيماً حَكِيماً

پیش از این معنای «علیم» مطرح شد. «حکیم» در اصل به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۶۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴۸) حکیم که یکی از صفات خداوند است، به معنای عالم، صاحب حکمت و کسی است که کارها را محکم انجام دهد (سمعانی، ۱۳۹۱ق: ص ۳۹۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵: ص ۱۹۰۱) و اطلاق آن بر پروردگار به دلیل علم او به حقایق اشیاء و پدید آوردن آنها در کمال استواری است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴۹) این واژه در قرآن ۹۷ بار آمده که ۹۱ بار آن به عنوان اسم خدا به کار رفته است. در همه موارد نیز با اسماء دیگر الهی همراه است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ذیل ماده قاهره؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۱۲۴) در سوره احزاب نیز فقط یکبار و آن هم در آیه اول آمده است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً.»

موضوع آیه: آگاهی خداوند به مصالح و مفاسد انسان‌ها

الف) ارتباط با کل آیه

چنان‌که از نظرات بیشتر مفسران پیداست، اسامی «علیماً حکیماً» با تمام آیه در ارتباط است؛ یعنی از آنجایی که خداوند به مفاسد و مصالح انسان علیم بوده و جز به اقتضای حکمتش حکم نمی‌کند، پس شایسته است که فقط از اوامر و نواهی او پیروی کنیم، نه از



پیشنهاد کفار و منافقان. از این رو این دو وصف، تعلیل آیه است. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ص ۲۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ص ۲۷۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۸: ص ۴۷)  
ب) ارتباط با غرض سوره

در این آیه که نخستین آیه سوره احزاب است، پیامبر ﷺ به طور مستقیم و دیگر مسلمانان به طور غیرمستقیم، از اطاعت کافران و منافقان نهی شده‌اند و از آنجایی که بر اساس شأن نزول سوره، کافران و منافقان پیشنهاد دادند تا پیامبر ﷺ با بت پرستی ایشان کاری نداشته باشد، ایشان هم با او و یکتا پرستی اش کاری نداشته باشند؛ پیامبر و مسلمانان موظف شدند تا فقط از دستورات خداوند اطاعت کنند. از این رو به کیفیت اطاعت مؤمنان از خدا و رسول در موضوعات سیاسی که بخشی از غرض سوره است، اشاره دارد.

### ۲-۲-۲. قَوِيًّا عَزِيْرًا

«القوی» مخالف ضعف و به معنای نیرومندی و مرتبه شدید قدرت می باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۹۳) «القوی» ۴۲ بار در قرآن آمده که فقط ۹ بار صفت خداوند محسوب می شود و در سوره احزاب، یکبار و در آیه ۲۵ به کار رفته است. «عزیز» مخالف «ذلیل»، و به معنای قدرت و توانایی است و از نظر راغب، حالتی است که مانع از مغلوب بودن انسان می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۶۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳: ص ۸۸۵) این واژه ۹۹ بار در آیات قرآن به کار رفته که از این میان، فقط یکبار در آیه ۲۵ سوره احزاب آمده است.

«وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيْرًا».

موضوع آیه: قوت و عزت نزد خداست

با تأمل در دیدگاه‌های مفسران در خصوص ارتباط دو اسم مزبور، به دو دیدگاه می‌رسیم:

### الف) ارتباط با کل آیه

گروهی از مفسران، آنها را با محتوای کل آیه مرتبط و تکمیل‌کننده آن دانسته‌اند. یعنی خداوند قوی و پرتوان است؛ زیرا کافران را با همه سازوبرگشان نابود ساخت، و عزیز و شکست‌ناپذیر است؛ چون مؤمنان را یاری داد تا در برابر کافران، ذلیل و خوار نشوند. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱: ص ۲۳۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۳۰۸)



## ب) ارتباط با بخشی از آیه

برخی نیز معتقدند وصف «قوی» و «عزیز» در رابطه با عبارت «وَ كَفَى اللَّهُ» است؛ یعنی خدا قوی و تواناست و می‌تواند کفایت کند، و عزیز است؛ یعنی کسی نمی‌تواند بر او غلبه کند. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۳۷)

## ج) ارتباط با غرض سوره

با توجه به محتوای آیه که دربارهٔ مسائل نظامی و جنگی است، آیه تأکید می‌کند که مسلمانان در موضوعات نظامی باید از خداوند قوی و شکست‌ناپذیر اطاعت نمایند، نه اینکه تحت تأثیر عوامل مادی شکست‌پذیر دشمن قرار گیرند.

## ۲-۲-۳. لَطِيفًا خَيْرًا

معنای «خیر» بیان شد. «لطیف» بر همراهی و نرمی و نیز کوچکی و خردی چیزی دلالت می‌کند. و نیز به معنای باطافت، باریق و آرام آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۲۵۰؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ص ۲۱۳) در مورد خداوند به معنای دوست داشتنندگان، رساندن آنچه به نفع آنهاست، و فراهم نمودن مقدمات رسیدن خیر به آنان است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ص ۳۱۶) این واژه در قرآن ۸ بار به کار رفته که یک بار آن در آیه ۳۴ سوره احزاب آمده است.

«وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللّٰهِ وَ الْحِكْمَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيفًا خَيْرًا».

موضوع آیه: توجه به آیات و حکمت‌های خداوند

## الف) ارتباط با کل آیه و غرض سوره

برخی برای «لطیف» دو معنا در نظر گرفته‌اند: دقیق و آگاه، صاحب لطف. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ص ۲۹۶؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۵۵) در عین حال به هر معنایی که گرفته شود، از یک سو با کل آیه خود مرتبط است؛ بدین گونه که خداوند همسران پیامبر ﷺ را خطاب قرار داده و الطاف خود را معرفی نموده، شرافت منزل پیامبر و مهبط وحی را به آنان گوشزد نموده و شرافت آنها را نیز نتیجه حضور در این مکان‌ها دانسته و در پایان اعلام می‌کند که لطایف امور را با دقت تمام رعایت فرموده و از نظر دور نداشته و با کمال خبرویت، آن لطایف را به کار می‌برد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ص ۱۰۸) و از سوی دیگر با بخشی از غرض سوره، یعنی تبیین دقیق وظایف همسران رسول خدا ﷺ در زندگی و نحوه اطاعت و تعامل آنها با پیامبر ﷺ و دیگر مسلمانان نیز هماهنگ است.



ب) ارتباط با آیه خود و آیات قبل (آیات ۲۸ تا ۳۳) و غرض سوره

علامه طباطبایی ابتدا با توجه به سیاق آیه، «ذکر» را به معنای یادآوری و مقابل فراموشی می‌داند، نه به معنای شکر؛ چون این معنا با تأکید و تشدید که نسبت به نحوه انجام تکالیف در آیات قبل بود (که همان غرض سوره است)، مناسب‌تر است. سپس کل آیه را به منزله یک وصیت و سفارش بعد از آن سفارش‌های قبلی می‌داند که در کلمه «فِي بُيُوتِكُنَّ» نیز مؤکد شده است. و در پایان همین معنا را با کمک سیاق آیه و اسامی «لَطِيفًا خَبِيرًا» تأیید نموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۳۱۳)

۲-۲-۴. غَفُورًا رَحِيمًا

«غفور» از ریشه «غفر» در اصل به معنای پوشاندن و مخفی کردن است و «غفرالله ذنوبه» یعنی گناهانش را پوشاندن و آنها را برای مردم آشکار نکرد. (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ص ۱۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۴۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ص ۲۵) واژه «غفور» ۹۱ بار در قرآن آمده (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ص ۱۰۸) که پنج بار آن در سوره احزاب و در آیات ۵، ۲۴، ۵۰، ۵۹ و ۷۳ قرار دارد. معنای واژه «رحیم» نیز پیش از این مطرح شد. «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵).

موضوع مرتبط: احکام فرزندخواندگی

الف) ارتباط با آیه خود و آیه قبل

با توجه به آیه قبل که می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ» و صدر آیه مورد بحث که درباره نهی از فرزندخواندگی است، عبارت «وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» اشاره دارد به اینکه مغفرت و رحمت خداوند شامل کسانی می‌شود که از روی خطا و اشتباه و یا از روی فراموشی، فرزندخواندگی را مطرح کرده‌اند؛ یعنی خداوند گناه غیرعمدی شما را در این باره می‌پوشاند و با ترک مواخذه، شما را مورد رحمت خود قرار می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۲۷۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۵۵۳؛ آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۱۴۷)

ب) ارتباط با غرض سوره

در این آیه مسلمانان را موظف نموده که احکام مربوط به مسائل خانوادگی را رعایت نمایند؛ زیرا یکی از سنت‌های غلط رایج میان اعراب این بود که فرزندخوانده را مانند فرزند به حساب آورده و احکام مربوط به فرزند را درباره او اجرا می‌کردند.

از این رو آیه بر غرض اصلی سوره، یعنی اطاعت از دستورات الهی و پیامبر ﷺ در مسائل خانوادگی تأکید می‌کند.

«لِيُجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۲۴).

موضوع مرتبط: نفاق و منافقان

الف) ارتباط با آیه خود و آیه قبل

«لام» در اول آیه، «لام» غایت است؛ چون مضمون آیه، غایت و نتیجه برای همه نامبردگان در آیه قبل است؛ چه منافقان و چه مؤمنان. و منظور از «صادقین» نیز همان مؤمنان هستند که در آیه قبل آمد. در نتیجه آیه می‌فرماید که خداوند راستگویان را به خاطر صداقتشان پاداش، و منافقان را (اگر توبه نکنند) به خاطر پیمان‌شکنی‌شان عذاب خواهد داد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۲۹۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ص ۳۳۰) از این رو جمله فوق، تعلیل است برای جزا و عذاب؛ یعنی «غفور» است برای گناهکاری که به‌سوی او توبه نموده، و «رحیم» است نسبت به نیکوکاران؛ یعنی متناسب با تلاش پاداش می‌دهد. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۲۲۹)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ... وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۵۰).

موضوع مرتبط: احکام مخصوص ازدواج برای پیامبر ﷺ و تأکید بر غرض سوره

از نظر بقاعی، آمدن این دو صفت در پایان آیه بدان علت است تا به‌خاطر اکرام به پیامبر ﷺ، نسبت به آنچه برای ایشان دستور داده شده، تخفیف قایل شود. (بقاعی، ۱۳۶۹ق، ج ۱۵: ص ۳۸۳) ابن عاشور نیز در تبیین آن می‌نویسد «عبارت «وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» تکمیل‌کننده برای احکامی است که برای پیامبر ﷺ تشریح شده است، نه برای جمله معترضه (أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا...)؛ یعنی اگر ما اراده کردیم که حرج و تنگی را از تو دور کنیم، از ویژگی‌های دو صفت غفران و رحمت بود.» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۲۹۷)

با توجه به مطالب بالا، این آیه خطاب به پیامبر ﷺ و در خصوص برخی دیگر از قوانین مربوط به خانواده است که ازدواج ایشان با هفت مورد از زنان را در چهار دسته، مجاز و حلال اعلام نموده است. با رعایت همین احکام است که بخشی از غرض سوره، یعنی اطاعت از دستورات الهی در مسائل خانوادگی نیز محقق می‌شود.



«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۵۹)

موضوع مرتبط: بی حجابی از روی غفلت

مفسران در خصوص ارتباط اسامی پایانی آیه با موضوع آیه تقریباً اتفاق نظر دارند؛ یعنی خداوند غفور و رحیم است نسبت به آنچه که در گذشته و در ایام جاهلیت در خصوص بی حجابی انجام گرفته و نسبت به آن آگاهی وجود نداشته است. (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۲۸۰؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ص ۳۹۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۸۴)

«لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۷۳)

موضوع آیه: غفوریت و رحیمیت، اصل و اساس برخورد خدا با انسان

ارتباط با ذیل آیه و آیه ۷۲

با توجه به نظر برخی از مفسران، از آنجایی که در آیه ۷۲ خداوند دو صفت «ظلوم» و «جهول» را برای انسان مطرح نمود، در این آیه دو صفت از اوصاف خودش، یعنی «غفور» و «رحیم» را آورد؛ یعنی «غفور» برای «ظلوم» است، و «رحیم» برای «جهول»، و به همین دلیل بندگان را تهدید کرد که ظلم را می‌بخشد، به جز شرک را که ظلم بزرگی است. و اما رحمت برای جهل است؛ چرا که جایی برای نزول رحمت اوست و از این رو انسان گناهکار می‌گوید نمی‌دانستم. بنابراین خداوند عبارت «وَيَتُوبَ اللَّهُ» را مبنای غفوریت و رحیمیت خود قرار داده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۸۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ص ۳۵۱)

۲-۲-۵. علیماً حلیماً

معنای «علیم» بیان گردید. «حلیم» از ریشه «حلم» در لغت به معنای نگهداری نفس و طبع از هیجان، خشم و غضب، و نیز به معنای تأنی و پرهیز از عجله است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۲۴۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۵۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ص ۹۳) این واژه ۱۵ بار در قرآن آمده که ۴ بار به پیامبران نسبت داده شده، و ۱۱ بار آن درباره وصف خداوند است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ذیل «حلم»)

«تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقْرَءَ أَعْيُنُهُمْ وَ لَا يُحْزَنَ وَ يَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيماً حَلِيماً» (احزاب: ۵۱)

موضوع آیه: اختیار دادن دائمی به پیامبر ﷺ در خصوص تقسیم اوقات با همسرانش  
الف) ارتباط با مفهوم خود آیه

گرچه تعبیر «فلوبکم» تعبیر گسترده‌ای است که هم پیامبر ﷺ و همسران او را شامل می‌شود و هم همه مؤمنان را، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ص ۳۸۸) اما به نظر می‌آید که با موضوع آیه، یعنی اختیار دادن دائمی به پیامبر ﷺ در خصوص تقسیم اوقات با همسرانش مرتبط است و هشدار است برای همسرانش تا در برابر احکام خداوند تسلیم باشند؛ گرچه خداوند حلیم است و در عقوبت گناهکاران قبل از راهنمایی و توبه آنها عجله نمی‌کند و این مهلت دادن است، نه سستی در کار. (طنطاوی، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ص ۱۷۷)

ب) ارتباط با محور و غرض سوره

از آنجایی که یک بخش از غرض سوره «اطاعت از خدا و رسول ﷺ» در موضوعات خانوادگی است، بنابراین عبارت پایانی آیه، سخنی جامع برای مفهوم تشویق و تهدید است؛ (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۳۰۲) یعنی به مسلمانان هشدار می‌دهد که خداوند از نیت خوب و بد شما درباره همسرانتان آگاه است، پس مواظب باشید که هیچ‌گاه تصمیم بدی درباره آنها نگیرید و آنان را اذیت و آزار ننمایید. و اگر نیت بدی درباره آنان کردید و آن را عملی نکنید، خدا از آن آگاه است، ولی چون آن را عملی نکرده‌اید، خدا برای آن حلمی که دارد، شما را در این باره مؤاخذه نمی‌کند. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۶: ص ۱۲۴)

### نتیجه‌گیری

اسما و صفات الهی در سراسر قرآن به چشم می‌خورد. اما تکرار و فراوانی آنها در فواصل آیات بیشتر است. در سوره احزاب نیز در پایان ۲۲ آیه، این اسامی به چشم می‌خورد؛ به طوری که در برخی آیات، یک اسم و در برخی دیگر از آیات، دو اسم از اسماء الحسنی ذکر شده است. دست یافتن به حکمت و نوع ارتباط به کار رفته میان اسامی و محتوای آیات و غرض سوره، از مباحث مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است. نگاه تفسیری به این موضوع در سوره احزاب نشان می‌دهد که:

۱- پیوند اسما و صفات الهی در بیشتر موارد با خود آیه است که یا با صدر، یا با عبارات میانی و یا ذیل آیات می‌باشد. پربسامدترین عنوان مطرح شده برای آنها، تعلیل



آیات، تکمیل محتوای آیات، تهدید و هشدار، و تأکید بر محتوا یا موضوعات مطرح شده در آیات است.

۲- زمانی نیز این تناسب با آیه یا آیات قبل از خود است که در این حالت نیز تأیید و تأکید مفهوم آیه قبل، هماهنگی با موضوع آیات قبل، و یا تعلیل آیات قبل می‌باشد.

۳- در اندک مواردی نیز با آیه و آیات بعد از خود مرتبط می‌شود که در این صورت، به‌عنوان زمینه و مقدمه‌چینی برای آمادگی در خصوص احکام جدید است.

۴- از آنجایی که غرض اصلی سوره احزاب عبارت است از «نحوه اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ در موضوعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و خانوادگی، جهت تحکیم پایه‌های رهبری و امت اسلامی»، اسامی مزبور در موارد متعددی نیز با بخشی از محور و غرض اصلی سوره هماهنگ بوده و قرینه قابل اطمینانی برای کشف و تثبیت غرض اصلی سوره می‌باشند.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن اثیر، مبارک‌بن محمد (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد (بی‌تا)، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۸)، «وحدت غرض سوره‌ها در تفسیر تسنیم»، پژوهش‌های قرآنی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، ص ۸۲-۱۰۹.
۹. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۱۱. بقاعی، برهان الدین (۱۳۶۹ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، حیدرآباد هند: دائرة المعارف العثمانیه.
۱۲. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث.
۱۳. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۳)، مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم، قم: مؤسسه تمهید.
۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. بیهقی، ابوبکر بن الحسین (۱۴۱۷ق)، الاسماء و الصّفات، بیروت: عبدالرحمان عمیره.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۷. حائری تهرانی، میر سید علی (۱۳۷۷)، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴ق)، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دار العلوم.

۱۹. حسینی همدانی، سید محمدحسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۲۰. خطیب، عبدالکریم (بی تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بی جا: بی نا.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۲۲. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر، بیروت دمشق: دارالفکر المعاصر.
۲۳. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۲۴. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار کتاب العربی.
۲۵. سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا)، بحر العلوم، بی جا: بی نا.
۲۶. سمعانی، احمد (۱۳۹۱)، روح الارواح فی شرح اسماء الملك الفتاح، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۷. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار کتاب العربی.
۲۸. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، قاهره: دارالشروق.
۲۹. شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ق)، الموسوعة القرآنیة، بیروت: دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة.
۳۰. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، فتح القدر، بیروت: دار ابن کثیر.
۳۱. صابونی، محمد علی (۱۳۰۹ق)، قیس من نور القرآن الکریم، دمشق: دارالقلم.
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۴. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۳۵. طنطاوی، سید محمد (بی تا)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا: بی نا.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره: دار الکتب المصریة.
۳۸. غزالی، محمد بن محمد (۱۹۷۱)، المقصد الاسنی فی شرح معانی اسماء الله الحسنى، بیروت: فضله شحاده.
۳۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۴۱. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
۴۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۴۳. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۴۵. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۴۶. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محیی الحسین.
۴۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۸. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۵۰. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیة.
۵۱. نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة.